[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-24]

ضرورت و مبانی مشارکت کودکان در توانمندسازی جوامع روستایی

نیلوفر رضوی *

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۲/۱۱
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۰۲/۲۸

چکیده

تعریف پیوستگی و تعلق خانواده در فرهنگ ایرانی به صورت متعارف چتری از حمایت را بر سر فرزندان می‌گستراند که مفهوم امنیت لاجرم در سایه پهناور آن تبیین می‌شود. حاصل این حمایت گسترده گاه سبب می‌شود که ضرورت مشارکت کودکان در فرایند تصمیم‌گیری به فراموشی سپرده شود. اما از آنجا که مبانی تعلق به محیط و سرزمین پیوند انکارناپذیری با میزان مشارکت در ساخت آن دارد، و با توجه به این که در صورت نقص یا تخریب یک زیستگاه، کودکان از آسیب‌پذیرترین اقشار ذینفع محسوب می‌شوند، دیدگاه‌های نوین پرورش، توانمندسازی جوامع بشری را موکول به ساخت و مدیریتی مشارکتی می‌دانند که نوپایان عرصه‌های اجتماعی در آن نقش پررنگی داشته باشند. حق کودکان در شکل‌دهی به مکان زندگی‌شان از امور مسلمی است که مورد توافق بین‌المللی است. علاوه بر این، دو مفهوم توانمندسازی و ظرفیت‌سازی، به مثابه دو بال، پیش‌نیازهای غیرقابل انکار توسعه در تعاریف نوین آن هستند. توانمندسازی بدون مشارکت همه رده‌های سنی تعریفی ناقص خواهد داشت، و طبیعت دوراندیش مفهوم ظرفیت‌سازی اصولاً بر مشارکت رده‌های سنی پایین‌تر جامعه و آموزش‌پذیری کودکان استوار است. نوشتهٔ حاضر با تبیین مفهوم مشارکت در این رده سنی، و معرفی شیوه ارزیابی مشارکتی در سکونتگاه‌های روستایی، به بررسی و تحلیل تجارب موجود در این زمینه، با میزان متفاوت مشارکت کودکان در بسترهای مختلف می‌پردازد.

پرسش های پژوهش

- مشارکت کودکان در توانمندسازی جوامع روستایی چه جایگاهی دارد؟
- با تکیه بر کدام مبانی می توان ساز و کارهای مشارکت کودکان را تعریف کرد؟
- مشارکت در سکونتگاه‌های روستایی چگونه تعریف می‌شود؟

واژگان کلیدی: مشارکت کودکان، حقوق کودک، ارزیابی مشارکتی روستا، توانمندسازی، ظرفیت سازی.

* استادیار گروه معماری منظر دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-24]

مقدمه

مشارکت همگانی در توسعه چنان جایگاه مهمی در تعاریف نظری این حوزه دارد که طبق گزارش توسعه انسانی "توسعه باید در اطراف مردم مواج باشد و نه مردم به دور توسعه، و توسعه باید موجب توانمند سازی و تفویض اختیار به افراد و گروه‌ها شود و نه تضعیف آن‌ها"(دانشنامه مدیریت شهری و روستایی ۱۳۸۷) . مفهوم توانمندسازی کلیدواژه‌ای است که در تعریف جاری شدن مسئولیت و قدرت در رده‌های مختلف اجتماع راهگشای نظر و عمل در سال‌های اخیر بوده است و در فرهنگ واژگان، این گفتمان به معنای "ایجاد قدرت قانونی برای توانا سازی و تفویض اختیار به مردم است. دلالت مستقیم توانمند سازی مقابله با عوامل بی‌قدرتی است" (همان). در تعریفی روستا- محور، توانمند سازی "در رویکرد عملیاتی به معنای ظرفیت‌سازی در بین روستائیان برای ایفای نقش مؤثر در فرایند توسعهٔ پایدار روستایی" است (همان).

در همین راستا، مفهوم مشارکت کودکان ساز وکاری تشویقی برای دخالت دادن همه رده‌های سنی جامعه در فرایند توسعهٔ شهری و روستایی بود که به سبب سرعت گرفتن روند رشد در کشورهای در حال توسعه شکل گرفت. به واقع اگر جامعه‌ای مشوق و پذیرای مشارکت کودکان در بهسازی خود باشد می‌توان به شرکت همه اقشار جامع در فرایند توسعه امید داشت.

مشارکت کودکان به‌خصوص در سایه تصویب کنوانسیون حمایت از حقوق کودکان در دههٔ پایانی قرن بیستم تقویت شد. بر اساس این کنوانسیون کودکان حق دارند در شکل دادن به محیط زندگی خود سهیم باشند. پس از آنکه همه کشورهای جهان (به استثنای سودان) در تصویب این کنوانسیون سهیم شدند، دو رویکرد در تحقق اهداف این سند شکل گرفت که رویکرد نخست بیشتر بر بهره‌گیری از دانش موجود در زمینه روانشناسی رشد و نیازهای فیزیکی کودک متمرکز است و رویکرد دوم مفهوم سهیم بودن کودکان را در سایه حضور و مشارکت خود کودکان در فرایند شکل‌گیری زیستگاه‌ها جستجو می‌کند(Knowles Yánez 2005) . بر این اساس مفاهیمی چون "شهر دوستدار کودک" نیز شکل گرفت که در بسیاری کشورهای توسعه یافته جایگاه کودکان را در فرایند شکل‌گیری شهر، از برنامه‌ریزی تا طراحی و مدیریت، تثبیت کرده است.

لازم به ذکر است که در کنوانسیون مذکور، هر فرد زیر سن هجده سال کودک تلقی شده است. البته در بسیاری کشورها نوجوانان از حمایت گسترده خانواده بهره‌مند هستند، و در عوض محدودیت‌های زیادی در فعالیت‌های اجتماعی دارند، که شاید اتلاق کودک به این گروه محل اشکال نباشد. اما در بسیاری دستورالعمل‌ها و پژوهش‌های کاربردی که در زمینه تحقق حقوق کودک حتی توسط خود آژانس‌های سازمان ملل صورت گرفته است، کودکان (زیرسیزده سال) از نوجوانان (بین سیزده تا هجده سال) تفکیک شده‌اند(Hart 1992).

اما در جوامع روستایی مفهوم مشارکت غالباً تعریفی متفاوت دارد. در این جوامع غالباً کودکان در حیات روز به روز و فعالیت‌های معیشتی خانواده سهمی دارند و برخلاف اغلب کودکان شهری تنها دریافت کننده خدمات خانواده نیستند. اما شیوهٔ حضور کودکان در عرصهٔ فعالیت‌های روستایی بازهم به صورتی است که گاه صدای آنها کمتر شنیده می‌شود. در تعریف سنتی خانواده روستایی، که اغلب خانواده‌ای گسترده است، سرپرست خانواده نقشی غالب و هدایت کننده دارد(Sener 2006). با وجود آنکه در بسیاری جوامع روستایی افزایش ارتباط با شهر و الگوبرداری از زندگی شهری دهه‌های اخیر،

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-24]

ساختار خانواده را از گسترده به هسته‌ای تغییر داده است (سرتیپی‌پور ۱۳۸۸)، اما هنوز هم نظام سلسله مراتبی و رهبری متمرکز و ریش سفیدی، رسمی برقرار در این جوامع محسوب می‌شود. رهبری نهاد خانواده، که تعدد افراد آن غالباً از یک خانواده شهری بیشتر است، با هدف به حداقل رساندن تنش‌های درونی و تعدد آرا، بسیار متمرکز و بعضاً سلسله مراتبی است. به همین سبب کمتر نقش فعالی برای کودکان در فرایند تصمیم‌گیری منظور می‌شود. از سوی دیگر خود مفهوم مشارکت نیز در محیط روستایی که اصولاً بیشتر حرکت‌های اجتماعی و سازندگی به صورت جمعی صورت می‌گیرد، می‌تواند تعریفی متفاوت با شهر داشته باشد. آنچه ضرورت شنیدن صدای نسل جوانتر و خصوصاً کودکان را در جوامع روستایی جدی‌تر می‌کند کم بودن جمعیت در این زیستگاه‌هاست که به سبب آن بسیاری از خدماتی که ارائه آن وابسته به تعداد حداقلی از کاربر است به سطح این محیط‌ها راه نمی‌یابد. خدماتی همچون آموزش، حمل و نقل مناسب، تجهیزات و زیرساخت‌هایی برای گذران اوقات فراغت و غیره.

از این رو، در تلاش برای یافتن جایگاه کودکان در فرایند توانمندسازی جوامع روستایی، به نظر می‌رسد که نخست باید مفهوم مشارکت در روستا تبیین شود و سپس جایگاه کودکان را در این فعل اجتماعی معلوم کرد.

- **تعریف و مبانی مشارکت در محیط روستا**

ساخت و مدیریت سکونتگاه‌های بشری در تاریخ تشکیل جوامع یکجانشین در سرزمین ایران چنان غنی است که، در جستجوی ریشه‌های مدیریت روستا، سئوال‌های هر پژوهشی را به خوبی پاسخ می‌دهد. مدیریت منابع آب، تعریف حدود مالکیت‌ها، تأمین امنیت، آموزش و پرورش و موارد مشابه نمونه‌هایی از فعالیت‌های ضروری در حیات روستایی است که از دیرباز به شیوه مشارکتی انجام می‌شده است(زرگر ۱۳۸۶).

قوی‌تر شدن دولت‌های مرکزی و فراگیر بودن قوانین و طرح‌های بالادستی که به صورت یکسان و بدون ملاحظات موضعی تنظیم شده بودند، به تدریج ساختار قوی مدیریتی را در این سکونتگاه‌ها تحلیل برده است. این امر نه تنها در ایران، بلکه در دیگر نقاط جهان هم پیامدهای مخربی برای مفهوم سکونت در روستا داشت به شکلی که در دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی حرکت‌هایی برای توانمندسازی طبقاتی از اجتماع که دستی در تنظیم قوانین و طرح‌ها ندارند صورت گرفت(Chambers 1994a).

مجموع فعالیت‌هایی که برای بازگرداندن قوت پیشین به جوامع روستایی در کشورهایی از آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا صورت گرفت با هدف ارتقای سطح آگاهی و بازگرداندن اعتماد به نفس به این جوامع شکل گرفته بود و از پایگاه‌های مختلف علمی همچون تحقیقات مربوط به برنامه‌ریزی، معماری و شهرسازی، کشاورزی، محیط زیست و جامعه شناسی بهره می‌گرفت (Chambers 1994a). مجموع روش‌هایی که به این طریق و با سرعت تدوین و تکمیل شدند همگی منجر به تبادل سیستماتیک اطلاعات در درون این جوامع و با متخصصین بیرونی می‌شوند که پیرو آن دانش، مسئولیت و توان تحلیل اطلاعات و وضعیت موجود در بین اعضای این جوامع ارتقا می‌یابد که با تسهیل‌گری متخصصان این امر می‌تواند به برنامه‌ریزی و اجرا توسط خود روستائیان منجر شود.

به دلیل آنکه پژوهشگران این حوزه از عرصه‌های علمی متعددی (معماری و شهرسازی، کشاورزی، محیط زیست، جامعه شناسی، علوم سیاسی و...) به سراغ معضلات موجود آمده بودند هریک اهداف و شیوه‌های

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-24]

خود را به همراه داشتند اما به اجماع چند حکم را در این فرایند تأیید می‌کردند (Chamber 1994a, 1994b; Campbell 2001):

- بخش‌هایی از جمعیت جهان که در تصمیمات کلان نقش خود را از دست داده‌اند باید توانمند شده و به عرضه مدیریت بازگردند.

- جوامع کوچک غیر مرفه یا نادیده گرفته شده توان و خلاقیت کافی برای ساخت و اداره محیط خود و توان پژوهش در این باره را دارند.

- متخصصان و پژوهشگران بیرونی می‌توانند در نقش مشوق و تسهیل‌گر در آموزش‌های اولیه و پشتیبانی آتی نقش بسیار مهمی را در کنار آحاد این جوامع ایفا کنند.

به این ترتیب بر مبنای تجارب پژوهش مشارکتی[1]، تحلیل زیست- کشاورزی[2]، انسان شناسی کاربردی، مطالعات میدانی بر شیوه‌ای کشاورزی و ارزیابی روستایی سریع[3]، شیوه‌ای از پژوهش روستایی با نام پژوهش مشارکتی روستا[4] شکل گرفت (Chambers 1994a) که نخستین گام برای آغاز فعل مشارکت در مفهوم جدید آن در این جوامع خواهد بود. در این مفهوم جدید، روستانشینان با شناخت و به اشتراک گذاشتن آنچه از میراث مدیریتی می‌دانند دانسته‌های تاریخی خود را به سطح آگاهی جمعی بازمی‌گردانند. با تعلق خاطر و غروری که به این ترتیب در این جوامع ایجاد می‌شود تحلیل وضع موجود و ذهن‌کاوی برای جستجوی راهکارهای نوین توسط خود آن‌ها با همبستگی و مسئولیت‌پذیری جدی‌تری انجام می‌شود.

آنچه در اجرای این طرح‌های توانمندسازی از طریق مشارکت روستائیان باید مورد توجه قرار گیرد این نکته است که مکانیسم‌هایی که برای تحقق این امر به کار گرفته می‌شود تماماً از رویه‌های پژوهشی آکادمیک و ناآشنا برای روستائیان انتخاب نشده‌اند. تحلیل زیست - کشاورزی که روشی علمی است خود بر دو شیوه برداشت متکی است که کاملاً از حیات جاری روستایی و کشاورزی اتخاذ شده است؛ نخست مشاهده هدفمند که به صورت پیاده‌روی و برداشت اطلاعات بر روی مقاطع تعریف شده از محور یک محیط به عرصه‌های همجوار اتفاق می‌افتد[5] (که فعل روزمره روستانشینان و کشاورزان است) و دیگر ترسیم‌های دستی و غیردقیق[6] از وضعیت محیط که مشغله دیرین بسیاری از این اهالی بوده است. در امتداد این شیوه برداشت در مراحل بعدی روش‌هایی از تحلیل اطلاعات آموزش داده می‌شود که بهره برداری از دانش تاریخی و وضع موجود را برای روستائیان ممکن می‌کند. برخی از شیوه‌های تحلیل که تاکنون به کارگرفته شده‌اند عبارتند از: درجه‌بندی و امتیاز دهی[7]، ترسیم دیاگرام و بیان تصویری روابط (Chambers 1994a). تمام آنچه در قالب به رسمیت شناختن و احیای دانش موجود از یک سو، و آموزش مهارت‌های نوین از سوی دیگر اتفاق می‌افتد بخش‌هایی از فرایند "ظرفیت‌سازی" هستند که همچون بسیاری دیگر از کلیدواژگان توسعه، ابعاد آن روز به روز و در عمل در حال کشف و تبیین است. "در ادبیات توسعه ظرفیت‌سازی مفهوم بالنسبه جدیدی محسوب می‌شود و به همین لحاظ نظیر دیگر مفاهیم این حوزه همچون پایداری، سرمایه اجتماعی، توانمندسازی و مشارکت اتفاق نظر چندانی در خصوص معنای دقیق و دلالت‌های روشن آن وجود ندارد"(دانشنامه مدیریت شهری و روستایی ۱۳۸۷). اما در همه تعاریف ارائه شده از این مفهوم، همچون مفهوم توانمند سازی، بر لزوم همدلی و همراهی مردم، یا به تعبیر دیگر مشارکت مردم، تأکید شده است. نکتهٔ مشترک دیگر در بین تعاریف موجود تأکید بر این امر است که در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، معنوی و... می‌توان

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-24]

سعی در توانمند سازی و ظرفیت‌سازی داشت و در همه این عرصه‌ها موفقیت در گرو آموزش است.

مهم‌ترین نکته در شیوهٔ ارزیابی مشارکتی روستا و تقویت توان مدیریت و اجرا در روستا در این امر نهفته است که در اینجا بنا بر آن است که روستائیان به پژوهشگران بیاموزند و نه بالعکس. به این طریق روستائیان مالک و مسئول اجرای یافته‌های خود خواهند بود. کارآمدی این شیوه پیشتر در ارزیابی روستایی سریع اثبات شده بود. آنچه ارزیابی مشارکتی روستایی را نسبت به ارزیابی سریع روستایی ویژه می‌کند دستورالعمل‌هایی است که مختص تسهیل‌گران خارجی است. پشتیبانی این افراد از مشارکت جاری با روندی تدریجی کمرنگ و محو می‌شود تا جایی که از ابتکار عمل تا به انجام رساندن هر طرح خود روستائیان سکاندار باشند. این شیوه که از آن به "واگذار کردن چوب دستی"[8] یاد می‌شود (Chambers 1994b)، مداخله‌ای هدفمند برای بازگرداندن باور به خود و مسئولیت پذیری و تقویت ادعای مالکیت در جوامع روستایی است.

به این ترتیب شاید بتوان مفهوم و دستاوردهای مشارکت در محیط روستایی را در چند بند زیر خلاصه کرد:

- آگاهی رسانی و احیای دانش، فنون و شیوه‌های مداخله در محیط و مدیریت سکونتگاه روستایی
- ایجاد خودباوری و تعلق خاطر از طریق ارزش نهادن به داشته‌ها
- احیای شیوه‌های سنتی جمع‌آوری اطلاعات و مشاهدهٔ میدانی
- تجهیز روشمند این مجامع با مکانیسم‌های جدید مدیریت و تحلیل اطلاعات
- تدبیر روش‌های رساتر بیان نظرات و آراء به ابتکار روستائیان به منظور شرکت مؤثر در تصمیمات بالادست

• مفهوم و مراتب مشارکت کودکان

هرچند ضرورت سهیم بودن کودکان در شکل‌گیری محیط زندگی‌شان اصلی غیر قابل انکار بودکه منجر به تصویب کنوانسیون حقوق کودک شد، اما غالباً این سهم به صلاحدید کسانی که صاحب‌نظر در امور جسم و روان کودکان هستند (و قطعاً از بزرگسالان برگزیده هستند) به آن‌ها اعطا شده است (برای نمونه نک. به پیربابایی و سلیقه ۱۳۸۹). در دفاع از این رویه چنین عنوان می‌شود که ناآگاهی این رده سنی از آنچه برای رشد و سلامتشان ضروری است مانع از آن است که نظراتشان در دستیابی به محیطی دوستدار کودک ثمربخش باشد.

آمارها نشان می‌دهد که آسیب‌پذیرترین گروه‌های اجتماعی در شرایط اضطراری همچون سوانح طبیعی زنان و کودکان هستند. از ۲۴۲ میلیون نفری که بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰ میلادی تحت تأثیر سوانح طبیعی آسیب دیده‌اند، ۷۶/۵ میلیون را کودکان تشکیل می‌دهند و سهم کودکان در کشورهای در حال توسعه در این میان ۷۵ میلیون است (World Disaster Report 2002) . با این وصف، چنانچه تصمیم بر آن باشد که شرح احوال این بخش از جامعه را از زبان خودشان نشنویم صدای بخشی بزرگ، آسیب پذیر و آینده ساز را از تشریک مساعی منجر به توسعه حذف کرده‌ایم.

با این استدلال، بخش بزرگی از صاحب‌نظران معتقدند که برخلاف استنباط‌های قدیم‌تر، نظرسنجی، مشورت و شرکت کودکان در تصمیمات کلان جامعه می‌تواند سودمند باشد و نزدیکی نظریه‌های علمی را به واقعیت تضمین کند. در راستای تحقق این مشارکت چهار دیدگاه بررسی و شناخته شده است(Knowles Yánez 2005) :

- دیدگاه نخست که از منظر آکادمیک به بررسی و پژوهش در باب کودکان و دخالت دادن نظرات آنان در تحلیل‌ها می‌پردازد؛

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-24]

- دیدگاه دوم از وجه کاربردی بستر حضور بیشتر کودکان را مهیا می‌کند؛

- دیدگاه سوم از طریق آموزش کودکان را به مفهوم مشارکت علاقمند و با مبانی آن آشنا می‌کند؛

- دیدگاه چهارم بر مبنای کنوانسیون حقوق کودک ابتکار عمل را برای مداخله در محیط به خود کودکان می‌سپارد.

در دیدگاه نخست کودکان در واقع در فرایند پژوهش دربارهٔ کودکان مشارکت دارند. دیدگاه دوم بستر را برای تشکیل نهادهای اجتماعی با مدیریت کودکان مهیا می‌کند، اما موضوع و هدف این نهادها توسط بزرگسالان پیشنهاد می‌شود. دیدگاه سوم صورتی از محیط آزمایشگاهی در محیط آموزشی است که مشارکت کودکان در آن مشق می‌شود. دیدگاه چهارم که در موارد بسیار نادری محقق شده است سئوال "چه باید کرد؟" را در مقابل کودکان قرار می‌دهد و بزرگسالان تنها نقش تسهیل‌گر را در یافتن راه‌حل‌ها بازی می‌کنند. اما همانطور که خواهیم دید سه مورد اول این دیدگاه‌هامراتبی از مشارکت کودکان هستند و هیچیک مشارکت کامل در شکل دادن به محیط محسوب نمی‌شود. معتبرترین مرجع در تحلیل مفهوم و شیوه مشارکت کودکان مطالعات هارت (1992) در این زمینه است که به نردبان هارت (ت ۱) معروف است. در تعریف هارت (1992) از مشارکت کودکان، سنین حساس و مستعد این دوره بهترین بستر برای تمرین مسئولیت‌پذیری و تعلق خاطر به جامعه تعریف شده است. برخلاف برخی دیدگاه‌ها که به صورت افراطی کودکان را نجات‌دهندگان جامعه می‌دانند، و یا برخی دیگر که به بازی آزاد و کودکی بی‌دغدغه اهتمام برون از اندازه دارند، هارت معتقد است که مفهوم مشارکت به ناگاه نمی‌تواند نهادینه شود و سنین کودکی بهترین فرصت برای آمادگی ذهنی در این زمینه است.

هارت در دیاگرام نردبان خود (ت ۱) سعی در ابهام زدایی از مفهوم مشارکت ومعرفی مراتب آن دارد. نگارنده این مقاله سعی کرده است آنچه در رتبه‌بندی مشارکت کودکان در نردبان هارت می‌تواند مبهم به نظر برسد با مثال‌هایی در مجاورت هر پله تکمیل کند. بر اساس این نردبان، می‌توان دیدگاه‌های علاقمند به مشارکت کودکان را ارزیابی کرد. به راحتی می‌توان دید که دیدگاه نخست که در آن از کودکان برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده می‌شود می‌تواند به شکل خطرناکی به "تظاهر به مشارکت" نزدیک باشد، چرا که در هیچیک از تصمیمات کودکان دخالت داده نمی‌شوند فقط احوال آن‌ها به صورت منفعل بررسی می‌شود. در همین حالت اگر دلایل و اهداف پژوهش به خوبی برای کودکان توضیح داده شود، میزان مشارکت می‌توان به رتبه بالاتر یعنی "مأمور اما مطلع" صعود کند. در صورتی که تحلیل‌ها با حضور و مداخله خود کودکان صورت گیرد و یا اینکه حداقل شرکت‌کنندگان از نتایج تحلیل‌ها مطلع شوند، همین فعالیت می‌تواند تا رده بالاتر یعنی "مشاور و مطلع" ارتقا یابد. دیدگاه دوم بر روی پله "مشاور و مطلع" و یا حتی "ابتکار عمل با بزرگسالان و مشورت با کودکان" جای گیرد. دیدگاه سوم نیز در ردهٔ "مأمور اما مطلع" جای می‌گیرد مشروط بر آنکه کودکان آگاه باشند که آنچه انجام می‌دهند مشقی از مشارکت در دنیای بیرون از مدرسه است. ناگفته پیداست که موارد نادری که در آن دیدگاه چهارم به تحقق نزدیک شده است می‌توانند شرایط قرارگیری در پله آخر نردبان را داشته باشند.تجاربی که به صورت خودانگیخته و یا برنامه‌ریزی شده، شاهد مشارکت کودکان در برنامه‌ریزی، بهسازی یا

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-24]

بازسازی روستا بوده نیز به همین طریق قابل مکانیابی در نردبان هارت هستند که گزیده‌ای از آن‌ها در پی می‌آید.

ت ۱- نردبان مشارکت کودکان(Hart 1992) به همراه مثال‌های تکمیلی

مراتب مشارکت	**ابتکار عمل با کودکان و تصمیم گیری مشترک با بزرگسالان**	مثال: طرح‌هایی که به ابتکار کودکان آغاز می‌شود اما از تشویق و حمایت عملی بزرگسالان بهره می‌برد تا به سرانجام برسد.
	ابتکار عمل و هدایت با کودکان	مثال: پروژه‌های اجرایی در مقیاس مهد یا مدرسه که غالباً از ابتدا با پیشنهاد کودکان آغاز شده و تا انتها با حمایت دورادور بزرگسالان توسط خود آن‌ها رهبری می‌شود.
	ابتکار عمل با بزرگسالان و تصمیم‌گیری مشترک با کودکان	مثال: شرکت در طرح‌های شهری که برای همه رده‌های سنی شکل‌گرفته است اما می‌تواند سهم کودکان را در صورت استفاده ازنظراتشان بیشتر کند
	مشاور و مطلع	مثال: شرکت در پژوهش‌های اجتماعی که در صورت ایده‌آل در برنامه‌ریزی اولیه و تحلیل نهایی یافته‌ها هم سهیم باشند
	مأمور اما مطلع	مثال: شرکت داوطلبانه در فعالیت‌هایی که از سوی بزرگسالات تنظیم شده است اما ضرورت و هدف آن را درک می کنند
شرایط عدم مشارکت	**تظاهر به مشارکت**	مثال: تظاهر به مشارکت و شرکت در تصمیمات در حالی که اختیاری در انتخاب موضوع و شیوه‌ها ندارند
	حضور نمایشی	مثال: شرکت در تقویت یک حرکت اجتماعی که مضمون آن را درک می کنند ولی خود علاقه یا مشارکتی در آن ندارند
	سوء استفاده	مثال: حمل پلاکاردهایی با محتوای ناملموس برای کودکان توسط آن‌ها در عرصه‌های اجتماعی

- **معرفی و تحلیل تجارب مشارکت کودکان**

شاید یکی از شناخته شده‌ترین مثال‌های توجه به نقش کودکان در شکل‌گیری اجتماع را بتوان در پروژه "بزرگ شدن در شهر"[9] مربوط به سال ۱۹۷۷ دانست. این طرح که هنوز نیز هرساله زیر نظر آژانس فرهنگی سازمان ملل (یونسکو) تکرار می‌شود در سال ۷۷ به مدیریت لینچ[10] از کودکان مجامع مختلف درباره تجربه زندگی در محیط زیستگاهشان سؤال کرد(Knowles Yánez 2005).

هرچند این مشاهده مربوط به محیط شهری بوده و هست، اما شیوه مشاهده مشارکتی، مصاحبه آزاد، عکاسی با کودکان، ترسیم یا نقشه‌برداری غیرحرفه‌ای و ترسیم‌های دستی (که در ارزیابی مشارکتی روستا هم مورد استفاده بود) از این تحقیق به مطالعات دیگری با مشارکت کودکان تسری یافت تا آنجاکه در پژوهش‌های مربوط به تخصیص کاربری در انگلستان از همین شیوه برای کشف انتظارات و امیدهای کودکان برای مناظر روستایی بهره گرفته شد.

(Robertson and Walford 2000).

در همه این مشاهدات پژوهشگران دریافتند که کودکان به خوبی می‌توانند نشانه‌های محیط فیزیکی را درک و تحلیل کنند و آنچه را که در مقام یک نشانه شهری یا منظر روستایی می‌تواند بر آن‌ها تأثیرگذار باشد به خوبی معرفی کنند. البته هدف اصلی این دسته مطالعات، که بیشتر در ردهٔ دیدگاه نخست و آکادمیک به مقوله مشارکت کودکان است، اطلاع‌رسانی به جامعه برنامه ریزان، معماران و شهرسازان جهت طراحی محیط دوستدارکودک است. اما محصول جانبی و بسیار مهم این شیوه‌های پژوهش مشارکتی آموزش دیدن کودکان برای مشاهده سیستماتیک و تحلیل برداشت‌های محیطی است. به تعبیر دیگر این تجارب نمونه هایی خوبی از ردهٔ "مامور اما مطلع" در سیستم هارت هستند.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-24]

نمونه دیگر از ردهٔ مأمور اما مطلع طرح شهردار مدرسه در ایران بود که طی آن کودکان در محیط کنترل شده، با برگزاری انتخابات و تشکیل شوراها، ساز و کارهای مشارکت در اداره یک محیط را تمرین می‌کردند (Piran 2005).

تمرین‌هایی از این دست در محیط بیرون از مدارس نیز منجر به تشکیل نهادهایی با مشارکت کودکان شده است. پروژه‌هایی که در آن کودکان در برنامه‌ریزی، طراحی یا ساخت یک اثر معماری مشقی یا نسبتاً واقعی با بزرگسالان سهیم شده‌اند (Sener 2006).

نمونه‌هایی از این دست پس از زلزله بم در این شهر و روستاهای اطراف دیده می‌شد که برای حفظ تعادل روانی کودکان بازمانده از این سانحه، بازسازی‌های کوچک محیطی(مانند ایجاد حریم‌های باز با دفن کردن لاستیک در زمین) با مشارکت کودکان انجام می‌شد[11]. این نمونه‌ها حتی می‌توانند تا حد مشارکت‌های "ابتکار عمل با بزرگسالان و مشورت با کودکان" ارزش‌گذاری شوند.

در همین رده‌بندی مشارکتی، طرح‌های غیر انتفاعی دیگری نیز در حوزه برنامه‌ریزی و طراحی شکل‌گرفته است که در آن اجازه برنامه ریزی، طراحی و ساخت در محیط باز به کودکان داده می‌شود .
(Knowles Yánez 2005)

در این طرح علاوه بر درگیری مستقیم با اجتماع، نوعی آموزش فنی و حرفه‌ای نیز صورت می‌گیرد. برخی از این طرح‌ها به دوره‌های کوتاه مدت یک روزه‌ای تبدیل می‌شود که در آن کودکان با مسئله‌ای روبرو شده و راه حل‌هایی برای آن می‌یابند. ترتیب این فرایند با مسئله‌یابی آغاز می شود و با تعیین اهداف، یافتن گزینه‌ها و دفاع از راه‌حل های پیشنهادی تکمیل می‌شود. از آنجا که در این دوره یک روزه کودکان در کنار بزرگسالان کار می‌کنند، آن را می‌توان نمونه‌ای از "ابتکار عمل با بزرگسالان و مشورت با کودکان" دانست، هرچند به میزانی که یافتن مسئله و تدوین راه حل‌های بر عهده کودکان گذاشته می‌شود این مشارکت می‌تواند به رده "ابتکار عمل و هدایت با کودکان" نزدیک شود.

در کالبد سکونتگاه‌های روستایی ایران نیز، چنین فعالیت‌هایی شاید به سادگی و با ابتکار اولیه کارشناسان امکان‌پذیر باشد. روش‌های موضعی اصلاح کالبد روستایی در ایران و بی‌توجهی به الگوی سنتی پر و خالی در بافت کهن این سکونتگاه‌ها (سرتیپی‌پور ۱۳۸۸)، که نمونه‌هایی از آن را در رها شدن جدارهٔ معابر اصلاح شده و بی‌تعریف ماندن فضای سبز یا حضور طبیعت در بافت روستایی دید(سرتیپی‌پور ۱۳۸۸)، کودکان را نیز مانند بزرگسالان با فضایی ناامن و بی‌سامان مواجه کرده است. آسیب‌شناسی و حل مسئله این بخش‌های کالبد فیزیکی روستا بستر مناسبی برای تمرینات مشابه تجربه شهری در کشور ترکیه است.

شاید چنین تصور شود که در ردهٔ ابتکار عمل و هدایت با کودکان نمونه‌های کمتری می‌توان یافت. اما مثال‌های متعددی از ابتکارعمل و هدایت خودجوش کودکان در شرایط بحرانی و خصوصاً پس از سوانح طبیعی مدارک بسیار خوبی برای رد این تصور هستند. نمونه‌های متعددی از اقدام خودجوش کودکان، حتی در غیاب بزرگسالان، در پاکسازی محیط از آوار و حتی تعمیر و بازسازی ابنیه در طوفان کاترینا و سونامی خاور دور، و همانطور که اشاره شد در زلزله بم گزارش شده است. تأیید شده که نخستین اقدامات کمک‌رسانی به قربانیان سونامی توسط ساکنین روستاها و به صورت خودجوش و با مشارکت فعال کودکان صورت گرفته است (Penrose and Takaki 2006).

باید به این امر توجه داشت که غالباً این حرکت‌های از حمایت شایسته و سازماندهی جهت تداوم برخوردار نیستند. در صورتی که حمایت کافی و تسهیل‌گری بزرگسالان چنین اقدامات خودجوشی را هدایت و

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-24]

نهادینه کند، می‌توان به نمونه‌های زیادی از مشارکت در بالاترین رده نردبان هارت امیدوار بود. در موارد معدودی، خصوصاً در مجامع روستایی که بزرگسالان نقش مشارکتی بسیار کمرنگی داشته‌اند، کودکان به مثابه کاتالیزور مشارکت بهترین نمونه‌های ردهٔ مشارکت "ابتکار عمل با کودکان و مشورت با بزرگسالان" را ارائه کرده‌اند. شایان ذکر است که در تحقق این رده مشارکت کودکان، آنچه فقدان آن به شدت احساس می‌شود کودکان مشتاق و مستعد نیست، بلکه بزرگسالانی است که با فراست و بدون گرفتن فرصت ابتکار عمل و سکان هدایت از کودکان به شکوفا شدن حرکت کمک کنند. نمونه‌های خوبی از این حد اعلای مشارکت در روستاهای سریلانکا گزارش شده است که نهادینه شدن مفهوم مشارکت به کمک کودکان و در غالب جنبش سرودایا[12] صورت گرفته است (Hart 1992). در این راستا تشکیل تعاونی‌های روستایی توسط کودکان نمونه بسیار خوبی از بالاترین رده مشارکت توسط کودکان را به نمایش می‌گذارد(Wesley 1995).

نمونه‌های مهم دیگری که در آن کودکان ابتکار عمل را از بزرگسالان ربوده‌اند، مسئله آموزش حفاظت محیط زیست و بافت و ابنیه تاریخی، یا آمادگی مقابله با سوانح طبیعی است. در فرایندهای پشتیبان حفاظت از منطقه تاریخی چغازنبیل، مسئله آموزش رده‌های سنی و توهم‌زدایی از توصیف بنای تاریخی چغازنبیل، که به مشارکت روستائیان و عشایر در حفاظت در این میراث جهانی کمک کرده است، نقش آموزش رده‌های پایین‌تر سنی به خوبی مشهود است[13]. به کرات اثبات شده است که برای اجرای آنچه در بیشتر آموزش‌های آمادگی برای سوانح، و بازسازی پس از سانحه ارائه می‌شود، حضور ذهن و آمادگی کودکان بیش از بزرگسالان بوده است (Back et. Al. 2009; Wisner 2006). در این مهم نیز مشارکت فعال بزرگسالان می‌تواند این پروژه‌های حساس ملی را به فرصتی برای تحقق مشارکت کودکان در بالاترین رده خود تبدیل کند.

نتیجه

در مروری اجمالی بر جایگاه مشارکت کودکان در توانمند سازی جوامع روستایی در شرایط عادی و موارد بحرانی، چنین به نظر می‌رسد که سرعت انتقال و حضور ذهن کودکان، و توانایی و میل ذاتی آن‌ها در مشاهده و کشف پیچیدگی‌های محیط، این رده‌سنی بسیار آموزش پذیر را در محیط روستایی یکی از بهترین پایگاه‌های اجتماعی برای شروع آموزش مفهوم مشارکت تبدیل کرده است. معضلات ویژه این رده سنی در محیط روستا عامل مناسبی برای انگیزش مشارکت در این گروه نیز هست. اما بزرگترین مشکل در تحقق این مشارکت تمایل یا انگیزش کودکان نیست، بلکه همانطور که در طول این نوشته معلوم شد، ظرفیت سازی، حمایت و تسهیل‌گری بزرگسالان است که می‌تواند این مشارکت را به نهایت ظرفیت و اوج شکوفایی برساند. بسیاری بر این باورند که ساخت نیروی انسانی باید بر سایر عناصر ظرفیت سازی تقدم داشته باشد و آموزش حساس‌ترین بخش را در این فرایند به خود اختصاص می‌دهد(دانشنامه مدیریت شهری و روستایی ۱۳۸۷). در جامعه روستایی، بخش بسیار مهم آموزش زنده‌کردن و ایجاد تعلق و غرور نسبت به دانش سنتی و تاریخی در این جوامع است.

به بیان ساده، در نهادینه کردن مشارکت کودکان در مجامع روستایی، بزرگسالان بیش از کودکان نیاز به آموزش‌های مربوط به این مفهوم دارند، تا به شیوه‌های ناصحیح و با ایجاد توهم مشارکت (سوءاستفاده، حضور نمایشی و تظاهر به مشارکت) کودکان را از صورت حقیقی این فعل دور نکنند و در مراتب اعلی(ابتکار عمل

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-24]

با کودکان و مشورت با بزرگسالان)، با گرفتن سکان هدایت از دست کودکان توانایی این نهاد را در تحقق این امر خطیر تضعیف نکنند.

پی نوشت

1. Participatory Research
2. Agroecosystem Analysis
3. Rapid Rural Appraisal (RRA)
4. Participatory Rural Appraisal (PRA)
5. Transects (systematic walks and observation)
6. Informal mapping
7. Innovation assessment
8. handing over the stick
9. Growing Up In the Cities (GUIC)
10. Lynch

۱۱. این اطلاعات از نشست‌ها و کارگاه‌های موسسه پژوهشی کودکان دنیا استخراج شده است.

12. Sarvodoya Movement

جنبش رفاه اجتماعی که توسط افکار گاندی بنیاد گذارده شد و هنوز در بسیاری روستاهای هند و کشورهای همسایه و نزدیک پی‌گیری می‌شود. این جنبش که شاید نسخه شرقی نظریه‌های مشارکت بود بر اصولی همچون حرمت کار، توزیع عادلانه ثروت، خودکفایی عمومی و آزادی فردی استوار است.

۱۳. اسناد مربوط به این فرایند در گزارش چاپ نشده حفاظت و مرمت بنای چغازنبیل و محوطه اطراف آن در پایگاه چغازنبیل و هفت تپه به مدیریت دکتر طالبیان موجود است.

منابع

- پیربابایی، محمد تقی، سلیقه، الهام. ضوابط طرحی بافت‌های مسکونی دوستدار کودک در روستاها. در "چکیده مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونت‌گاه‌های روستایی: مسکن و بافت". تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹.

- دانشنامه مدیریت شهری و روستایی. وزارت کشور(سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها) و وزارت علوم تحقیقات و فناوری(بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی). تهران: ۱۳۸۷.

- زرگر، اکبر. درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران. چ٤. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸٦.

- سرتیپی‌پور، محسن. آسیب‌شناسی معماری روستایی: به سوی سکونتگاه مطلوب. تهران: دانشگاه شهید بهشتی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.

- Back, Emma, Cameron, Catherine, Tanner, Thomas. *Children and Disaster Risk Reduction: Taking stock and moving forward*. UNICEF: 2009

- Campbell, John R. *Participatory Rural Appraisal as Qualitative Research: Distinguishing Methodological Issues from Participatory Claims.* Human Organization, 60(4), pp. 380-389, 2001.

- Chambers, Roger. *The Origins and Practice of Participatory Rural Appraisal.* World Development, 22(7), pp. 953-969, 1994a.

- Chambers, Roger. *Participatory Rural Appraisal (PRA): Analysis of Experience.* World Development, 22(9), pp. 1253-1268, 1994b.

- Hart, Roger. *Children's Participation: from tokenism to citizenship.* UNICEF International Child Development Centre, Spedale degli lnnocenti, Florence, Italy, 1992.

- Knowles-Yánez, Kimberley L. *Children's Participation in Planning Processes* .Journal of Planning Literature, 20(3), pp. 3-14, 2005.

- Mitchel, Tom; Haynes, Katharine; Hall, Nick; Choong, Wei; Oven, Katie. *The Roles of Children and Youth in Communicating Disaster Risk.* Children, Youth and Environment: 2008,18(1), pp. 254-279

- Penrose, Angelal; Mie Takaki. *Children's rights in emergencies and disasters.* Lancet, 367. Pp. 698–99, 2006.

- Piran, Parviz. *School Mayors of Iran: Learning Social Participation in an Unfavorable Environment.* Children, Youth and Environments: 15(2), pp. 299-318, 2005.

- Robertson, Margaret, and Walford, Rex. *Views and visions of land use in the United Kingdom.* The Geographical Journal: 166 (3), pp. 239-54. 2000.

- Sener, Tulin. *The Children and Architecture Project in Turkey.* Children, Youth and Environments: 16(2), pp. 191-206, 2006.

- Wesley, Caroline .Children as Catalysts of Change: Children's Participation in Rural Development in India. *Children's Environments 12(4), 1995*

- Wisner, Ben. Let Our Children Teach Us: *A Review of the Role of Education and Knowledge in Disaster Risk Reduction.* Bangalore, India, Book for Change, 2006.

- World Disaster Report. *Focus on Reducing Risk*. Geneva: International Federation of the Red Cross and Red Crescent Societies. 2002

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-24]